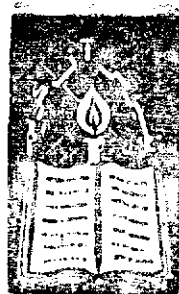


سورة لقمان

آیه ۱۸ و ۱۹



## لقمان و میانه روی در رفتار و گفتار

۱۸ - ولانصبر خورك للاماس ولا تمش في الارض برحاً

ان الله لا يحب كل مختال فخور

: هرگز (با تکبر و غرور) از مردم رو بر مگردان و با غرور و  
بیخبری راه مرو ، خداوند متکبران خود پسند را دوست نمی -  
دارد .

۱۹ - واقصد في مشيك واغضض من صوتك ان انكر

الاصوات اصوات الحمير .

: «در راه رفتن میانه رو باش» و از صدای خویش بکاه (و  
صوت خویش را ملانم کن) که نامطبوعترین صداها صوت خران  
است .

خضوع یکی از ستوده ترین فضائل اخلاقی است ولی با اینهمه اگر از حد خود تجاوز کند ،  
بصورت بدترین صفات بنام «تملق» و «چاپلوسی» درمی آید ، چنانکه «وقار» و «متانت» یکی  
از فضائل اخلاقی است که اگر برنگ بی اعتنائی و گردن کشی و رخ تابی از مردم و نادانیز شمردن  
حقوق دیگران در آید بصورت یکی از بدترین و زشت ترین صفات بنام «تکبر» و «خود پسندی»  
جلوه گر میشود گاهی فروتنی به «چاپلوسی» متانت به «کبر» و «خودخواهی» مشتبه میشود ؛ از  
این نظر چاپلوسان اجتماع برای توجیه اعمال خود ؛ به فروتنی و تواضع پناه میبرند ؛ چنانچه  
خود پسندان و متکبران اعمال زشت و گردنکشی و بی اعتنائی خود را با متانت و وقار  
توجیه می نمایند . در صورتی که هر کدام در رتبه و درجه ای هستند ، که هرگز آمیخته

بدیگری نمیشوند.

فروتنی یعنی تسلیم در برابر حق ، احترام به هم‌نوعان ، اعتراف و شناسائی مقام واقعی خود و حقوق دیگران که همگی از یک ثبات روحی و آرامش روانی سرچشمه می‌گردد ، همگی حاکی از یک شخصیت تام و تمامی است که دیگر در تکمیل آن احتیاج به ابراز تفوق و گردنکشی نیست .

### «چاپلوسی»

هر گاه ثناء و تعریف در حق کسی انجام می‌گیرد ، که شایستگی آن را ندارد : چاپلوسی و تملق است . خضوع و تذلل در برابر شخصیتی که زمامدار اوضاع و مالک احوال است ، آنهم برای رسیدن به منافع مادی و دنیوی ، از مصادیق تملق بشمار میرود .

علی (ع) میفرماید **الثناء با کثر من الاستحقاق ملق والتهصیر عن الاستحقاق**

**عی او حسد .**

یعنی : ثناء بیش از استحقاق تملق گوئی و چاپلوسی است . و مدح با کمتر از آنچه درخور آنست ، نشانه ناتوانی (زیرا چون نمی‌تواند ، پایه او برسد ناچار او را کوچک معرفی کند) و یا حسد است .

معمولاً افراد چاپلوس کسانی هستند که بی‌شخصیت و بی‌اراده بارآمده‌اند و حاضرند برای خاطر منافع جزئی و مادی بر اراده و شخصیت خود قلم قرمز کنند و استقلال خود را از بین ببرند .

### وقار و متانت

هر گاه يك فرد برای رسیدن بمقاصد خود اصول اخلاقی را مراعات کند ، و اهداف خود را بدون شتابزدگی و حرص و ولع و دست‌پاچه‌گی تعقیب نماید اعمال چنین فرد توأم با وقار و متانت خواهد بود .

### کبر و خودپسندی

يك بیماری روانی است که مبداء آن احساس حقارت و کوچکی است بر اثر گذشت زمان به عقده حقارت تبدیل می‌آید ؛ معمولاً فرد متکبر در خود احساس حقارت و تقصیر میکند ، و میخواهد این قسمت را با خود فروشی و گردنکشی ، و باغرو و وطنیان جبران نماید و معمولاً این گونه اوصاف در افرادی پیدا میشود که در محیط‌های پست و خانواددهای کم ارزش رشد و نمو نموده و علاوه فاقد شخصیت ذاتی باشند .

و اگر شخصیت يك فرد در نظر خودش کامل باشد ، و در خود احساس حقارت و کمبود شخصیت نماید هر گز علت ندارد ، حالت عصیان و وطنیان بخود بگیرد . این ناراحتی و بی‌ثباتی و بی‌قراری روحی نتیجه يك ناراحتی است که همواره شخص را وادار میکند که بوسیله خودفروشی

و تقدم خواهی و بی اعتنائی و گردنکشی آلام خود را تسکین دهد .

آنچه گفته شد ؛ آخرین تحقیقی است که دانشمندان روان شناس در این باره بآن دست یافته اند ولی امام صادق هزار و اندی پیش بایک جمله کوتاه در عین حال پر معنی و سودمند برده از روی این حقیقت علمی که روانکاوان امروز پس از سالیان درازی بآن رسیده اند ، بر داشته است زیرا آنحضرت چنین فرموده : **مامن رجل تکبر او تجبر الا لذلة یجدها فی نفسه .**

یعنی کبر متکبران ، و ستم ظالمان روی یک ذلت و حقارتی است که در نفس خود احساس میکنند و میخواهند با اعمال خود آنرا جبران نمایند .

از آثار خانمان بر انداز « کبر » اینست که روح یک حالت عصیان زدگی پیدا میکند ، که آرامش و قرار روانی را از دست میدهد . و در سایه حب ذات رهبری نشده ، در برابر حق و حقیقت تسلیم نمیشود ، حقوق دیگران را محترم نمیشمرد ، در پایمال کردن حقوق و شخصیات بی پروا نمیگردد .

از امام صادق سؤال کردند : نخستین پایه « الحاد » ( انکار حقایق ) چیست در جواب فرمود کبر است ( ۱ )

و نیز جمله جامعتری در این باره فرموده : **الکبر ، ان تغمض الناس و تسفه الحق . ( ۲ )**

یعنی خود پسنندی اینست که مردم و حقوق را نادیده بگیرد .

زندگانی پیامبران ؛ و پیشوایان اسلام مخصوصاً زندگی رهبر عالیقدر اسلام . و جانشین بلا فصل وی امر مؤمنان ، بهترین سرمشق زندگی است ، در لابلای تاریخ نمونه های کامل از تواضع و فروتنی و احترام بحقوق هموعان آن طبقه زیاد بچشم میخورد امیر مؤمنان پیشاپیش سپاه گران برای برانداختن حکومتی که فرزندان بوسفیان بوجود آورده حرکت میکرد ، در نیمه راه یکی از شهرهای « عراق » بنام « انبار » رسید که در قلمرو حکومت علی بود ، مدت های این شهر زیر نظر ساسانیان اداره میشد ؛ و رسم و رسوم آن زمان که سجده در برابر ملوک و زمامداران بود ، هنوز از میان آن مردم رخت بر نیسته بود .

خبر عبور ارتش خلیفه اسلام از میان این شهر در بین مردم منتشر گردید ، همه باستقبال علی شتافتند ، و در برابر علی زیر آفتاب داغ و سوزان به سجده افتادند بگمان اینکه بدینوسیله میتوانند مراتب رضایت علی را بدست آورند .

امیر مؤمنان از اسب پیاده گردید و چنین فرمود : در این سجده بخدا شکر میبورزید ، و ساعتها زیر آفتاب گرم و سوزان بسر میبیرید و خود را ناتوان و بیچاره قلمداد میکنید ، در صورتی که من

و شما هر دو بنده ضعیف خداوندیم و منم مثل شما سیربستر بیماری میگردم ، دچار چنگال مرگ میشوم من و شما باید برای خدائی سجده کنیم که بیمار نمیشود و نمیرد ، هر از اینک به پیشوای شما هستیم ، هیچ مزیتی بر شما ندارم ! فقط بار مسئولیت من سنگینتر است .

### حالت طغیان زدگی در عده ای از جوانان

امروز روی عللی که بازگشت همه به کبر و خودپسندی است يك حالت عصیان زدگی ، بی اعتنائی بحقوق ، نادیده گرفتن زحمات دیگران ، حق قضاوت در همه چیز ، ابراز نظر در امور و مسائل که هرگز کوچکترین اطلاعی در آن قسمت در اختیار نیست ، در گروهی از جوانان و گروهی از مربیان و استادان بوجود آمده .

گاهی يك فرد دامپزشک ، که در رشته تخصص او شناختن بیماریهای دامهاست ، در پیچیده ترین مسائل فلسفی و کلامی و مذهبی قضاوت کرده و کتاب منتشر مینماید .

همانطوریکه امام ششم فرمود ، نخستین پایه انکار حقائق همان « کبر » است امروز بعضی از درس خوانده ها با فرا گرفتن چند فرمول ریاضی و فیزیکی ، بخود حق میدهند که در تمام مسائل جهانی ابراز نظر کنند ، هنگامیکه سخن از خدا و روح ورشته اصولا از موجودات ماوراء الطبیعه ، پیش میآید ، بایک قیافه مخصوص که نشانه تخصص و غور فوق العاده در این مسائل است ، همه را بیاد مستخره میگیرد ، در صورتی که سراسر عمر خود را فقط در حاد معادلات جبری مصرف کرده و لحظه ای در این قسمت به دقت و تحقیق نپرداخته است .

راستی این بیماری واگیر است که امروز دامنگیر نسل کنونی شده است ، هرگز از خاطر م نمرود ، که در یکی از روزنامه های تهران موضوع « تعدد زوجات » که از پیچیده ترین مسائل اجتماعی و در عین حال فقهی و مذهبی است ، مطرح شد ، و طراح موضوع از تمام طبقات رأی و نظر خواست ، ولی در این مسأله بجای اینکه دانشمندان ، استادان ، حقوق دانها ، علماء و علم الاجتماع رأی دهند ، عطاران و قصابان تمیغ زن بجواب دادن برخاستند ، و مسأله را از دریچه نظر خود تحلیل کردند .

### عنایت قرآن بطرز راه رفتن

ممکن است بعضی تصور کنند که چرا قرآن روی مسأله راه رفتن که یک موضوع ساده ایست در آیه فوق و در سوره « فرقان » آیه ۶۳ تکیه کرده است (۱)

ولی باید توجه داشت قرآن روی موشکافی مخصوصی که دارد سعی میکند با مفسد اخلاقی در نخستین مرحله بروز ، مبارزه کند و نظر باینکه افعال انسان هر چند پیش پا افتاده باشد حاکی از روحیات انسان است ، از این جهت هنگامیکه اولین مراحل کبر در دل انسان پیداشد ، روی حرکات عادی از جمله راه رفتن فوراً اثر میگذارد ، لذا قرآن این موضوع را بدقت مورد مطالعه قرار داده و موقع بروز چنین حالت اعلام خطر میکند .

(۱) وعباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا .